

## تبیین نظریه ی کنش ارتباطی به عنوان روشی برای آموزش های چند فرهنگی با تاکید بر روش انتقادی

سمیه کیارسی<sup>۱</sup>، یحیی قاندي<sup>۲</sup>

### بیان مساله

در اسناد بالا دستی نظام جمهوری اسلامی ایران، نظیر قانون اساسی و چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، صراحتاً به مباحث چند فرهنگی و جایگاه اقوام توجه شده است. با وجود این، برنامه درسی نظام آموزشی عمومی و آموزش عالی ایران فاقد الگو و مبانی روشن در این باب است (مهر محمدی، ۱۳۸۸). این مشکلات زمانی حادتر می شوند که به افراد یک جامعه به عنوان شهروندانی جهانی نگریسته شود. در سناریوی جهانی شدن و وابستگی های متقابل ناشی از آن، زندگی هر فردی به گونه ای مستقیم و یا ضمنی تحت تاثیر حوادثی که در نقاط دیگر جهان اتفاق می افتد قرار دارد (گران، پرترا، ۲۰۱۱). فرایند جهانی شدن علاوه بر اینکه تعاملات جهانی را تحت تاثیر قرار داده است، بی عدالتی های فراوان دیگری همچون: افزایش سلطه فرهنگی، آوارگی مردم از سرزمین اجدادی، نژاد پرستی و تعصبات قومی و عدم تحمل مذهبی را در پی داشته است (بومن، ۲۰۰۴، گیبسون، ۲۰۱۰، لیپمن، ۲۰۰۱)، در سیستم های آموزشی نیز فرایند جهانی شدن در قالب سیاست های نئو لیبرالی به ترویج ساختارها و قوانین یادگیری جهانی می پردازد (گران و گران، ۲۰۰۷). جهت مرتفع ساختن چنین مشکلاتی، آموزشی چند فرهنگی که بر پایه ی درکی از گروه های قومی و ایجاد فرصت های برابر آموزشی بنا شده، ضروری به نظرمی رسد (بنت، ۱۹۹۸). هابر ماس با ارائه نظریه کنش ارتباطی از لحاظ روشی نقش مهمی در مباحث مربوط به آموزش چند فرهنگی ایفا کرده است، چرا که این نظریه به طرح رویکرد معرفت شناسانه ای می پردازد که گفت و گو و امور بین الاذهانی در کانون آن قرار دارد. مقصود از کنش ارتباطی در نزد هابر ماس، نوع خاصی از کنش اجتماعی است که در آن کنشگران از یکدیگر توقع دارند اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجتماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است، هماهنگ

۱- دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم

Kiyarsi62@yahoo.com

yahyaghaedy@yahoo.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم



سازند. به‌علاوه، تلاش برای نیل به توافق، اساساً بر استفاده طبیعی از زبان مبتنی است. در این پژوهش حاضر نیز سعی شده است از طریق روش انتقادی علت‌ها و عوامل پنهان چنین بحران‌ها و تعارض‌هایی که در سیستم‌های آموزشی مختلف مطرح می‌باشد، شناسایی و با نظر بر اهمیت‌رهایی بخشی آموزش چند فرهنگی به روش گفت و گوی هابرماسی در جهت رفع نابرابری‌های ناشی از این شکاف فرهنگی گام موثری برداشته شود.

### سؤالات پژوهش

1. با استفاده از روش انتقادی چه راهکارهای رهایی‌بخشی را می‌توان برای حذف شکاف فرهنگی در تعلیم و تربیت پیشنهاد کرد؟
2. چگونه می‌توان از نظریه کنش ارتباطی به عنوان روشی برای آموزش‌های چند فرهنگی بهره جست؟

### چارچوب نظری

نقطه ظهور هابرماس به مثابه‌ی فیلسوف گفت‌وگو، در جایی است که وی «کنش تفاهمی»، «کنش معطوف به درک» را در مقابل «کنش استراتژیک» یا «کنش معطوف به موقعیت» قرار می‌دهد (هابرماس، 1976). مطابق نظر هابرماس، انسان‌ها با یکدیگر تعامل و ارتباط برقرار می‌کنند و هنگامی که شنونده‌ای گفتار-کنشی را می‌پذیرد، توافقی میان دو ذهن کنشگر و متکلم پدید می‌آید. هابرماس معتقد است در «زیست جهان» ساختارهای اجتماعی و اقتصادی با کنش و آگاهی تلفیق می‌شوند. زیست جهان را در مقام تعریف می‌توان دربردارنده‌ی سابقه و زمینه‌ی معانی مشترک دانست که عمل متقابل نمادین معمولی را امکان‌پذیر می‌سازد (هابرماس، 1384). «حوزه‌ی عمومی» هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. قابل ذکر است که کنش ارتباطی از طریق بیان و گفت و گو تحقق می‌یابد (هابرماس، 1989).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های دیالکتیکی و انتقادی می‌باشد. روش دیالکتیکی و انتقادی،



توجه ما را به روابط تعارض آمیز طبقات یا گروه‌های اجتماعی معطوف می‌کند و مسائل تعلیم و تربیت را در چارچوب آن‌ها مورد تحلیل قرار می‌دهد. بیش از همه، این روش در پی آن است که از سویی، علل و عوامل نامحسوس و زیرساز امور تعلیم و تربیت را مورد شناخت و دگرگونی قرار دهد و از سوی دیگر، ظواهر محیط‌های تعلیم و تربیتی را فریبنده می‌داند و مورد نقد قرار دهد. اهمیت این روش در آن است که توجه ما را به مسئله عدالت اجتماعی و نقد گونه‌های پیچ در پیچ ستم در محیط‌های تعلیم و تربیت جلب می‌کند. مراحل روش انتقادی در پژوهش حاضر با ویژگی‌های ذکر شده به ترتیب زیر می‌باشد:

1. کشف تضادها و تناقض‌های موقعیت
2. مشخص کردن علت‌ها یا عوامل پنهان
3. نقد ایدئولوژی
4. رهایی بخشی

**یافته‌ها در مورد سوال اول:** شاید امروزه یکی از بزرگ‌ترین معضلات نظام تربیتی عصر حاضر عدم توجه به بحث ناهمسانی و تفاوت‌های فرهنگی موجود می‌باشد. با استفاده از روش انتقادی می‌توان تعارض‌های موجود در این زمینه را شناسایی و به ابطال و افشای آگاهی‌های کاذبی پرداخت که در اختیار مردم قرار می‌گیرد و تصویر نادرستی از روابط اجتماعی به آنان می‌دهد که در پژوهش حاضر نمونه‌ی این گونه آگاهی‌های کاذب را می‌توان در شعارهایی از قبیل فرهنگ ملی و یا یکسانی فرهنگی در سیستم‌های آموزشی جوامع چند فرهنگی یافت که برای از بین بردن این آگاهی‌ها باید به دنبال راهکارهای رهایی‌بخش بود که در پژوهش حاضر راهکار رهایی‌بخش پیشنهادی همان آموزش چند فرهنگی مبتنی بر گفت و گو است. در نتیجه به اجرا درآمدن چنین راهبردی در جوامع چند فرهنگی دستیابی به اهدافی چون آزادی، برابری فرصت‌ها، عدالت محقق خواهد شد و مفاهیمی چون: فرهنگ برتر، طبقات اجتماعی برتر از بین خواهد رفت.

**یافته‌های مربوط به سوال دوم:** با کمک گرفتن از چارچوب نظری کنش ارتباطی هابرماس که ذکر آن گذشت، در مجموع مزایای روشی این نظریه برای اجرای آموزش‌های چند فرهنگی در کشورهای درگیر تعارض فرهنگی را می‌توان در چند بخش دسته‌بندی نمود:



1- حل مشکل دست یافتن به دیدگاهی نسبتاً مشترک و کاهش تعصبات در حین انجام آموزش‌های چند فرهنگی از طریق گفت و گویی که نظارت و تعامل بین افراد مختلف را هدایت می‌کند، 2- افزایش رشد شناختی و اخلاقی فراگیران و مربیان به واسطه‌ی رویارویی‌های گوناگونی که آن‌ها با زیست جهان‌های متفاوت دارند. 3- رشد و گسترش مهارت‌های حل مساله به صورت خلاقانه از طریق دیدگاه‌های مختلفی که برای رسیدن به راه حل از سوی افراد مطرح می‌شوند. 4- دستیابی به اهداف مهم آموزشی همچون تحقق نوعی وحدت جهان وطنی که در واقع اتخاذ الگویی از جامعه آموزشی می‌باشد که بر اصول نهادین انتزاعی همچون آزادی و برابری تمامی شهروندان جهانی مبتنی است. 5- ایجاد فضاهای آموزشی آزاد و نیز ارتقاء روابط مثبت و مفید از طریق دستیابی به اهداف مشترک و تعهدی که نسبت به اصل برابری در میان عناصر موثر در آموزش به وجود می‌آید. 6- تجدید حیات جامعه از طریق غنا بخشیدن به فرهنگ‌های مختلف شهروندان و ترویج دیدگاهی گسترده تر و پیچیده تر از جهان.

### نتیجه گیری، بحث و پیشنهادها

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد در آموزش‌های چند فرهنگی بر مبنای تئوری کنش ارتباطی دو هدف عمده دنبال می‌شود:

- در سطح فردی: رشد و شکوفایی خرد فراگیران مبتنی بر ارتباط متقابل هنجاری  
 - در سطح اجتماعی: دستیابی به تفاهم در جوامع چند فرهنگی مبتنی بر کنش اخلاقی.  
 همچنین با چنین مبنایی تمامی عناصر مربوط به فرایند تعلیم و تربیت چند فرهنگی برای به دست آوردن تفاهم و توافق هیچ سلاحی جز استدلال منطقی و قانع کننده ندارند. هدف این نوع کنش ارتباطی، شناختی همگانی و پذیرش حقایق واحد است. در این راستا در آموزش‌های چند فرهنگی جواب‌ها از پیش آماده نیست، بلکه افراد با تبادل نظر و نقادی خود راه‌هایی را بر می‌گزینند. همچنین شرکت کنندگان بر همکاری خود می‌افزایند و دیگر محاسبات خشک ریاضی وار و فشار سنت‌های از پیش موجود در میان نیست بلکه معلمان و فراگیران با گفت و گو سعی دارند راه‌هایی برای توافق برگزینند. این کنش در ذات خود رهایی بخش است چرا که با خود کنش‌های متعالی را به همراه دارد. این رهایی در بستر و زمینه‌ای می‌تواند تحقق یابد که در



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران  
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

آن خودشناسی از طریق گفتمان امکان‌پذیر باشد. بنابراین کنش ارتباطی با ایجاد زمینه فهم گذشته تاریخی و با تأمین ارتباط میان فرهنگ‌ها و گروه‌های عصر حاضر در برقراری وفاق و اجماع در آموزش‌های چند فرهنگی نقشی اساسی دارد. همچنین با تأکید بر اصول مورد نظر خود بر طرف‌کننده‌ی مسائل تعلیم و تربیت چند فرهنگی است.

**واژگان کلیدی:** هابرماس، نظریه کنش ارتباطی، آموزش چند فرهنگی، روش انتقادی



## منابع

- 1- پایا، علی. (1381). گفت و گو در جهان واقعی، تهران: طرح نو.
- 2- حاجیانی، ابراهیم. (1383). مسئله ی وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، مجموعه مقالات مسائلی اجتماعی ایران، چ 1، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- 3- رفیع پور، فرهاد. (1385). آنا تومی جامعه (مقدم بر جامعه‌شناسی کاربردی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- 4- فتحی واجارگاه، کورش. (1385). بین‌المللی کردن برنامه ی درسی در نظام آموزش عالی ایران چالش‌ها و چشم‌اندازها، همایش هشتم انجمن مطالعات برنامه ی درسی ایران، دانشگاه مازندران، ص 2018-2035
- 5- مهر محمدی، محمود. (1388). سیستم آموزشی کشور فاقد برنامه ی مدون و راهبردی است، کلمه ی سبز، ش 21، 20 خرداد، ص 14.
- 6- هابرماس، یورگن. (1384). نظریه ی کنش ارتباطی، جلد دوم، جهان زیست و نظام، ترجمه ی کمال پولادی، تهران: موسسه انتشاراتی روزنامه ایران
- 7- Bauman. Z. (2004). *Wasted lives: Modernity and its outcasts*. Cambridge: Polity Press
- 8- Bennett. M. (Ed.). (1998). *Basic concepts of intercultural communication*. Yarmouth, ME: Intercultural Press.
- 9- Gibson. M. L. (2010). Are we “reading the world”? A review of multicultural literature on globalization. *Multicultural Perspective*, 12(3), 129–127
- 10- Giroux. H. (2006). Reading hurricane Katrina: Race, class, and biopolitics of disability. *College Literature*, 33(3), 171–196.